



15 جولای 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی گذرا بر ظهور و سقوط اولین نظام جمهوری در افغانستان (از کودتای 26 سرطان 1352 تا کودتای 7 ثور 1357)

این نوشته مشتمل بر پنج قسمت است: 1- نظری به دوره های کاری شهید محمد داؤد خان، 2- بررسی مختصر از دهه "قانون اساسی"، 3- کودتای 26 سرطان، 4- رویدادهای عمده دولت جمهوری، 5- کودتای ثور و سقوط نظام جمهوری.

(قسمت چهارم)

رویداد های عمده دولت جمهوری

بتاریخ اول سنبله 1352 محمد داؤد که ریاست دولت را عهده دار بود، طی یک بیانیه مفصل مسما به "خطاب به مردم افغانستان" مشی عمومی دولت جمهوری را در تمام ساحات اعم از داخلی و خارجی اعلام کرد که از تفصیل آن در اینجا منصرف میشویم و اگر کسانی علاقمند مطالعه آن باشند، میتوانند متن مکمل این بیانیه تاریخی را در مقاله اینجانب تحت عنوان "متن مکمل بیانیه خطاب به مردم افغانستان"، منتشره افغان جرمن آنلاین مورخ 23 می 2015 مطالعه فرمایند. مطالبی که در این مبحث مطرح میشوند، بیشتر مربوط به بعضی سؤاها و نکاتی مهمی اند که بر جریان امور و رویداد های بارز داخلی و خارجی دولت جمهوری اثر گذار بوده اند:

1- درامور داخلی :

توقف مظاهرات:

اگر چه گرمی و سردی زندگی و تجارب حاصله در دوران عزلت، محمد داؤد خان را یک شخص باتفاهم و معتدل بار آورده بود، اما شیوه "دیکتاتوری دلسوزانه" او را در راستای خدمت به وطن و مردم چندان تغییر نداده بود، لذا حرف "رهبر" به مثابه قانون، بدون چون و چرا واجب التعمیل پنداشته میشد. باهمین روحیه که همه از جدیت او آگاه بودند، نظم عامه که قبلاً دستخوش هرج و مرج از طریق تداوم چند ساله مظاهرات گردیده بود، بدون توسل به زور و فشار توسط مردم رعایت گردید و خود بخود زیرکنترول درآمد و مظاهرات روزمره در شهر پایان یافت، امنیت در تمام کشور برقرار و جریان امور بطور عادی در حرکت افتاد. آنچه مایه تشویش گردید، همانا نقش روبه تزاید عناصر پرچمی در دستگاه دولت بود که بسرعت مقامهای حساس را اشغال کرده بودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولۍ

آوازه توطئه ها و دسایس علیه رژیم :

محمد داود خان به حیث یک "دیکتاتور دلسوز" هیچگاه تحمل مخالفین را نداشت و موجودیت آنها را مانع کار و وسیله انارشی میدانست. درحالیکه با نقش روبه تزاید پرچمیها در دولت، مخالفین تحریک میشدند، آوازه کودتاها و توطئه ها علیه رژیم یکی متعاقب دیگر به گوش میرسید. اولین حادثه بتاریخ 29 سنبله 1352 کودتای گروپ مسما به محمد هاشم میوندوال (صدراعظم سابق) و گیر و گرفتهای 42 شخصیت سرشناس بود که با شهادت معصومانه میوندوال بدست پرچمیها منجر شد و از جمله پنج نفر به اعدام، 7 نفر به حبس دوام و حبس جمعاً 8 نفر به حبس دراز و کوتاه مدت از 15 سال تا 4 سال محکوم گردیدند. شهادت میوندوال قبل از اصدار حکم محکمه ضربه سختی به شهرت رژیم وارد کرد. سپس موضوع مولوی عطا الله فیضانی و توطئه جنرال میراحمد شاه گردیزی و نیز پاشیدن تیزاب به روی دختران مکتب موجب شد تا تعدادی از هواداران جناحهای اسلامی به زندان بروند و بعداً در زمان رژیم خلقی - پرچمی بطور فجیع اعدام شوند و عده ای دیگر به پاکستان فرار کنند و به حیث قوای مخالف رژیم زیر نظر پاکستانی ها فعال گردند. همین ها بودند که بعداً در ماه اسد 1354 به پنجشیر و لغمان حمله کردند و اما شکست خوردند و کاری از پیش برده نتوانستند.

تصفیه عناصر چپگرا از مقامهای عالی دولت :

اینکه بعضی ها از جمله داکتر حسن شرق ادعا میکند که در کودتا فقط چند نفر انگشت شمار منسوب به جریان خلق و پرچم اشتراک داشتند، آنهم از کتگوری های پایانی آن و باقی دیگر عناصر کودتاچی اشخاص غیرحزبی بودند و اما بعد روی عقده های شخصی به آن جریان پیوستند و در کودتای ثور سهم گرفتند، ادعا نادرست است و به مثابه "پت کردن آفتاب به دو انگشت" میباشد. باید خاطر نشان کرد که در آن حزب سه کتگوری عضویت داشتند: کتگوری سازمانی ها که همه ایشان را می شناختند و علناً فعالیت میکردند، کتگوری مخفی که کمتر کسی آنها را می شناخت و کتگوری نقاب پوش که ظاهراً از حزب دوری بسته و به حکومت خود را می چسبانیده بودند و از این طریق در راه اعمال نفوذ و حمایت از حزب و فعالیت های آن زمینه سازی میکردند. همین ها در اول توانستند در مقامهای بالای دولتی و تعدادی شان در کابینه راه یابند که شرح آن در اینجا نمی گنجد.

نفوذ کمونیستهای خلقی و پرچمی در پستهای حساس ملکی و نظامی از یکطرف و احتمال کودتاها و حملات مسلحانه مخالفان در پنجشیر و لغمان از طرف دیگر محمد داود خان را به این نظر آورد که برای ایجاد یک نظام ملی در وسط چپ و راست تغییرات اساسی را رویدست گیرد و برای سرکوب کردن عناصر چپ و راست اقدام نماید.

اوبتاریخ 27 سپتمبر 1975 کار را از تصفیه پرچمیها از کابینه آغاز کرد: در قدم اول فیض محمد، پاچا گل وفادار، جیلانی باختری، عبدالحمید محتاط و نعمت الله پژواک را از کابینه بیرون نمود و بعداً حسن شرق را نیز از معاونیت صدارت برطرف و به سفارت در جاپان مقرر کرد. بیانیته محمد داود خان در هرات مبنی بر مخالفت با هرگونه "ایدئولوژی های وارداتی" به کشور در حقیقت برای کمونیستهای خلقی و پرچمی زنگهای خطر را به صدا درآورد و توجه شانرا به آینده تاریک معطوف کرد. این چرخش موجب شد تا مقامات شوروی بر محمد داودخان جداً مظنون شوند و ادامه دوستی او را با شورویها زیر سؤال بَرند. از همین جا است که تلاشها برای رفع اختلافات بین خلق و پرچم و اتحاد مجدد آنها از طرف سفارت شوروی در کابل شروع گردید و فعالیتهای جلب و جذب بوسیله آنها در اردو نیز رویدست گرفته شد.

تشکیل حزب "انقلاب ملی":

به عقیده محمد داود خان: دموکراسی وقتی نتیجه سالم بار می آورد که جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی بیک مرحله لازم رسیده باشد و تا آن وقت موجودیت احزاب متعدد وسیله انارشی میگردد. لذا او در شرایط موجود کشور یک نظام سیاسی مبتنی بر یک حزب را توصیه میکرد. باهمین روحیه در سرطان 1356 تاسیس حزب "انقلاب ملی" را اعلان

د پانو شمیره: له 2 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

کرد و چهار نفر از وزرای مقرب خود (جنرال حیدر رسولی وزیر دفاع، داکتر عبدالمجید وزیر دولت، سید عبدالاله معاون صدارت و پوهاند عبدالقیوم وردک وزیر معارف و بعداً سرحدات) را مؤلف امور تشکیلات آن ساخت ت قبل از تدویر لویه جرگه اقدام به سازماندهی قسمی حزب نمایند، ولی اینکار به نتیجه نرسید. تعدادی زیاد اشخاص منسوب به گروههای مختلف سیاسی کوشیدند از طریق شناختهای شخصی با وزرای مربوطه در این حزب حکومتی نفوذ کنند که بادرک این خطر، موضوع سازماندهی حزب متوقف گردید. توظیف چهار وزیر و ناهماهنگی در امور جلب و جذب اعضا، موجب رنجش عده دیگر وزرا گردید و کابینه را بدوجناح تقسیم کرد. جناح ناراض به رهبری وحید عبدالله معین سیاسی وزارت خارجه خواهان استعفا از کابینه شدند که با وساطت نعیم خان و وعده اصلاح امور، اوضاع ظاهراً بحالت عادی برگشت.

تحولات اقتصادی:

در مورد تحولات اقتصادی باید با اختصار گفت که: طرح پلان هفت ساله انکشافی یک از دست آورد های مهم این دوره در امور اقتصادی بود. این پلان محصول کار خالص افغانهای متخصص در امور پلانگذاری بود که طی پلانها پنجسال گذشته تجارب فراوان در زمین پلانگذاری حاصل کرده بودند که متأسفانه نظر به وقایع بعدی و سقوط رژیم فرصت تطبیق نیافت. بحث پیرامون محتویات این پلان مهم از حوصله این مختصر بدور است که البته در موقع مناسب ضمن بررسی سائر پلانها مورد بحث قرار خواهیم داد.

در ارتباط با مسائل اقتصادی باید خاطر نشان کرد که ملی ساختن بانکها و صنایع بزرگ و همچنان اقدامات اولیه به هدف اصلاحات ارضی صاحبان سرمایه و زمینداران بزرگ را به تشویب انداخت، طوری که در دو سال اول اکثر سرمایه های خویش را به ذرایع مختلف بخارج انتقال دادند و اینکار بر اقتصاد کشور صدمه رسانید. در عین زمان حکومت به کارگران افغانی اجازه داد تا به کشور های خلیج رفته در جستجوی کار شوند و نیز با تعیین قیمت جدید برای گاز صادراتی افغانستان به شوروی، عواید بیشتر نصیب دولت شد که در مجموع ذخایر اسعاری کشور افزایش بسیار یافت و ارزش افغانی در برابر دالر و سائر اسعار به بلندترین حد خود رسید و موجب شد تا پول افغانی در منطقه به حیث یک "پول قوی" در تبدالات اسعاری مارکیت کشور های منطقه مبدل گردید، چنانچه در سال 1356 یک دالر به 38 افغانی تنزل کرد که طی سالهای گذشته این نرخ تبادل در بازار آزاد یک دالرحتی به 90 افغانی رسیده بود.

2 - لویه جرگه ، قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور

محمد داؤد خان تقریباً مدت سه سال و هشت ماه را به حیث رئیس دولت ایفای وظیفه کرد و کشور را توسط فرامین تقنینی و هدایات شخصی اداره کرد. در سال 1355 (1976) وی کمسیون 41 عضوی را مؤلف تهیه مسوده قانون اساسی جدید ساخت که در آن دو خانم نیز عضویت داشتند. مسوده در ظرف چهار ماه تهیه گردید و جهت آگاهی عامه در مطبوعات به نشر رسید. سپس لویه جرگه بتاریخ دهم دلو 1355 در عمارت صحت عامه با اشتراک 219 نفر نمایندگان انتخابی و 128 نفر انتصابی (جمعا 374 نفر، از جمله 11 خانم) دائر شد و دو هفته دوام کرد. در این لویه جرگه نخست قانون اساسی دولت جمهوری در سیزده فصل و جمعا 136 ماده تصویب شد و در ادامه موضوع انتخاب رئیس جمهور به روحیه ماده 76 قانون اساسی جدید مطرح گردید. این ماده تصریح میکرد که: "رئیس جمهور پس از نامزد شدن از طرف حزب از طریق لویه جرگه با اکثریت دوثلت آرای اعضا، برای مدت شش سال انتخاب میگردد." مجلس محمد داؤد خان را برای این مقام کاندید کرد. موصوف بعد از اصرار وکلا قبولی خود را "بیک شرط" اعلام کرد و در نتیجه به اتفاق آراء به حیث اولین رئیس جمهور کشور انتخاب شد.

قابل ذکر است که تا آن وقت نه حزب اساسنامه داشت و نه اصولاً تشکیل شده بود و نه جمعیتی از اشخاص که نمایندگی قانونی از حزب کرده بتوانند، موجود بود تا بزعم ماده 76 نامزد ریاست جمهوری را قبلاً از طرف حزب اعلان نمایند. علاوه بر فصل دوازدهم "احکام انتقالی" هیچ تذکری در مورد انتخاب اولین رئیس جمهور قبل از شکل قانونی حزب

د پانو شمیره: له 3 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولۍ

وجود نداشت که به استناد آن بدون تثبیت نامزدی از طرف حزب، رئیس جمهور انتخاب میگردید. علاوهً ماده 130 حکم میکرد: «در دوره انتقال، مطابق بحکم ماده چهارم این قانون اساسی، اساسنامه حزب انقلابی ملی بحیث اولین حزب که بانی و پیشاهنگ انقلاب ملی و مترقی 26 سرطان سال 1352 "مردم!" افغانستان است، از طرف رئیس جمهور نافذ و اعلام میگردد. این ماده صریحاً بیان میکند که اول باید رئیس جمهور انتخاب شود و او اساسنامه حزب را نافذ و اعلام دارد، درحالیکه در ماده 76 برعکس تصریح شده که کاندید ریاست جمهوری باید نخست از طریق حزب به لویه جرگه معرفی گردد. این موضوع عمده ترین خلای قانونی را در انتخاب رئیس جمهور تشکیل میداد که متأسفانه کسی جرأت اظهار رسمی آنرا در آن وقت نداشت و تا امروز نیز کسی به این خلا اشاره نکرده است.

افغانستان در این قانون اساسی یک دولت جمهوری "دموکراتیک"، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه خوانده شده، حاکمیت ملی به مردم تعلق دارد و اسلام دین آنست. در فصل حقوق و وجایب مردم (ماده 27 تا ماده 46) به تقلید از مواد قانون اساسی 1343 از آزادی های فردی در ساحات مختلف تذکر رفته، ولی ماده 47 حدود آزادیها را چنین تعیین میکند: "هیچ کس نمیتواند با استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و به خواسته های منافع اکثریت مردم و یا به هدفهای انقلاب 26 سرطان 1352 صدمه وارد کند."



عکس تاریخی: محمد داؤد خان حین توشیح قانون اساسی جمهوری با اعضای کابینه و بعضی از اراکین دولت

د پانو شمیره: له 4 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلینکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

در اینجا سؤال عمده در تثبیت هدفهای "انقلاب" 26 سرطان است که آن بیشتر محصول نظر یک شخص و یا یک عده محدود اشخاص کودتاچی بوده و بناً اطاعت و پیروی از اهداف حزب که تا آنوقت دقیقاً مشخص نگردیده بود، در حقیقت همه آزادیهای مندرج قانون اساسی را محدود و مقید می سازد، به این معنی که هیچکس حق ندارد برخلاف آنچه اراکین حزب اهداف انقلاب 26 سرطان را تعبیر و تفسیر نمایند یا بیرون بگذارد، در غیر آن قانوناً به حیث خائن ملی قابل محاکمه خواهد بود.

هرگاه به صلاحیتهای رئیس جمهور (ماده 78) نظر انداخته شود، آن وقت واضح خواهد شد که رئیس جمهور حداقل دارای صلاحیت پادشاه و به حیث رئیس حزب صلاحیت بیشتر از یک پادشاه مطلق العنان را خواهد داشت. آیا محمد داؤد خان در آن وقت فکر کرده بود که اگر روزی او نباشد، چه کسی با همچو قدرت نامحدود بر سر نوشت کشور و مردم حاکم خواهد شد؟ بهر حال مطالبی جالب دیگر نیز در آن قانون اساسی وجود دارد که شرح آن در این مختصر نمیگنجد.

(یک یادداشت شخصی: من این مشکل را در آستانه تدویر لویه جرگه با سید مخدوم رهین که عضو کمیسیون تسوید بودف بطور دوستانه در میان گذاشتم، متأسفانه او که از جمله نزدیکان سید عبدالاله بود، فوری آنرا به او اطلاع داد و روز بعد او مرا در دفتر خود خواست و بعد از صحبت برآیم وانمود کرد که بعد از لویه جرگه باهم می بینم و به همین دلیل از اشتراک در لویه جرگه کنار زده شدم. این جریان را در چند نوشته خود سالهای قبل تذکر داده ام.)

3 - روابط خارجی:

تشنید روابط با غرب، کشورهای اسلامی و همسایه:

سیاست خارجی محمد داؤد خان که بدست برادرش محمد نعیم خان گردانندگی میشد، بطور کل در بدو مرحله ادامه همان روش زمان صدارت او بود یعنی نزدیکی با شوروی، سردی با ایران و کشیدگی با پاکستان. بعد از دو سال که تاحدی پایه های رژیم استحکام پذیرفت و موقع رویدست گرفتن پلانهای انکشاف اجتماعی و اقتصادی فرارسید، محمد داؤد خان به این نظر آمد که باید به جلب کمک دیگر کشورها بپردازد و افغانستان را از قید وابستگی روزافزون اقتصادی و سیاسی مسکو تدریجاً بیرون کند. او برای نیل به این هدف مجبور بود در سیاست خارجی خود با کشورهای غربی بخصوص امریکا و کشورهای اسلامی از همه اولتر با دوکشور همسایه ایران و پاکستان تجدید نظر نماید. محمد داؤد خان از اشتباهات دوران صدارت خود مبنی بر نزدیکی با شوروی پند گرفته بود و دید که تعقیب سیاست او به وسیله حکومت ها در دهه مشروطیت چه عواقب وخیمی را بعداً بار آورد و چگونه استقرار سیاسی توسط فعالیت گروه های چپ و راست افراطی و گسترش مظاهرات و کارشکنی ها برهم خورد. بناءً او خواست تا با پیش گرفتن یک سیاست متوازن بین شرق و غرب و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی از یکطرف افغانستان از وابستگی اقتصادی و در نهایت سیاسی شوروی بیرون شود تا بتواند به کمکهای بیشتر اقتصادی و حمایت سیاسی غرب دست یابد و از طرف دیگر با برقراری روابط نزدیک با کشورهای اسلامی افغانستان را از خطر فعالیت های تخریبی گروه های افراطی اسلامی بخصوص تحریکات مخفی پاکستان و عربستان سعودی در زمینه محفوظ نگهدارد.

روی همین هدف در ماه حمل 1353 محمد نعیم خان به حیث نماینده مخصوص رئیس دولت به کشورهای عراق، لیبیا، الجزایر، مصر، عربستان سعودی و ایران سفر کرد تا مقدمات این تحول را فراهم سازد. در سرطان آن سال وزیر خارجه ایران به کابل آمد و روابط ایران و افغانستان بهبود یافت. ایران کوشید عربستان سعودی را در زمینه اعطای قرضه و نزدیکی با افغانستان تشویق نماید، محمد داؤدخان در اوایل حمل 1354 (مارچ 1975) به عربستان سفر کرد و در راه برگشت به ایران رفت و با شاه ایران دیدار کرد. شاه ایران وعده کمک 300 میلیون دالری به افغانستان داد، مشروط بر اینکه این کمک باید جانشین کمک اقتصادی شوروی باشد و در مورد فراهم اوری تسهیلات ترانزیت اموال افغانی نیز موافقه شد. شاه ایران آمادگی خود را برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان اعلام کرد و وعده اعطای یک قرضه 1700 میلیون دالری را جهت اعمار خط آهن از سرحد ایران تا هرات داد. سپس اسناد مربوط به معاهده اب هیلمند بین طرفین تبادل و بدینوسیله موضوع متنازع فیه بین دودولت به تاسی از توافقات قبلی حل گردید.

د پانو شمیره: له 5 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

بعد از سفر محمد داؤدخان به تهران، شاه ایران به پاکستان رفت و با بوتو صدراعظم آنکشور دیدار کرد که یقیناً موضوع اصلی مذاکرات آنها را عادی ساختن روابط افغانستان و پاکستان تشکیل میداد. در زمستان 1354 حکومت پاکستان به زلزله زدگان افغانستان کمک ارسال کرد که در حقیقت نشانه آمادگی بهبود روابط را معنی میداد. با استفاده از این پیش آمد، محمد داؤد خان از بوتو دعوت کرد تا به افغانستان سفر کند.

بوتو با قبول این دعوت بتاريخ 7 جون 1976 (جوزا 1355) بار اول به کابل آمد و محمد داؤد خان نیز به دعوت رئیس جمهور پاکستان بعد از اشتراک در کنفرانس کشورهای غیرمنسلک منعقد کولمبو، بتاريخ 29 اسد 1356 (جون 1977) به کابل آمد. خلاصه در اثر همین رفت و آمد ها روابط متشنج افغانستان و پاکستان بعد از یک مدت طولانی بهبود یافت که جنرال ضیا الحق بعد از بوتو نیز همین روش را ادامه داد.

در قبال این تغییرات مقامات امریکائی نیز با محمد داؤد خان نزدیک شدند و کیسنجر وزیر خارجه آنکشور بتاريخ 17 اسد 1355 (اگست 1976) به افغانستان سفر کرد و به تعقیب آن کمکهای آنکشور به افغانستان افزایش یافت. جمهوریت مردم چین نیز به کمکهای خود افزود. کانادا، انگلستان، جمهوریت اتحادی آلمان، استرالیا و دیگر کشورها پیهم آمادگی خود را برای کمکهای انکشافی افغانستان ابراز داشتند.

سردی روابط با شوروی:

محمد داؤد خان طی دوره جمهوریت دوباره به مسکو سفر کرد: با راول بتاريخ 14 جوزا 1353 (4 جون 1974) که به تاسی از همان سیاست سابق، اتحاد شوروی را دوست بزرگ افغانستان خطاب کرد و از همکاریهای دوستانه آنکشور تمجید نمود و اما از مقدار کمکهای وعده داده شده شوروی چندان راضی نبود. در جواب این سفر پودگورنی در دسمبر 1975 به کابل آمد. در این موقع تماس محمد داؤد خان با کشورهای عربی و مسئله اخراج کمونیستها از کابینه و همچنان جدیت داؤد خان در مورد عضویت بعضی کشورها مخصوصاً کوبا در جمله ممالک غیرمنسلک بر روابط شوروی و افغانستان سایه افکنده و موجب کندی و تخریش روابط حسنه همیشگی گردیده بود. محمد داؤد خان در آن وقت میکوشید امضای قرارداد بعضی پروژهای انکشافی را با شوروی معطل سازد و از روش آنکشور در قبال بعضی کشورهای افریقائی شکایت داشت. در همین حال اطلاعات استخباراتی مبنی بر فعالیت گروه های خلقی و پرچمی علیه دولت جمهوریت نیز به محمد داؤد خان میرسید. علاوه تشنید مناسبات رژیم جمهوریت با غرب و کشورهای اسلامی سوء ظن مسکو را بر محمد داؤد خان روز بروز زیاد می ساخت و این وضع بر سردی مناسبات بین افغانستان و شوروی می افزود.

هنگامیکه محمد داؤد خان در لویه جرگه 1355 به حیث رئیس جمهور انتخاب شد، شکایت او از فعالیتهای تخریبی گماشتگان افغانی شوروی در افغانستان یعنی خلق و پرچم علنی تر گردید و خواست تا موضوع را با برژنف حین سفر دوم خود به مسکو در میان بگذارد. این مسافرت از 12 تا 15 اپریل 1977 (حمل 1356) صورت گرفت که نظر به اهمیت تاریخی آن لازم است به جریان این رویداد کمی بیشتر مکتب گردد.

محمد داؤد خان در مذاکرات روز اول مذاکرات رسمی، رهبران شوروی را در جریان بهبود مناسبات افغانستان با پاکستان و ایران گذاشت و در مورد روابط نزدیک اقتصادی با کشورهای عربی سخن گفت، از مساعدتهای شوروی قدردانی نمود و اظهار امیدواری کرد تا مناسبات دو کشور که بر اساس همسایگی نیک، اعتماد متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر استوار است، بیش از پیش انکشاف نماید. در جریان مذاکرات برژنف از محمد داؤد خان پرسید که آیا از سیاست تسلیحاتی ایران که به حیث نماینده ایالات متحده در منطقه وظیفه حفاظت از منافع آن کشور را دارد، برای همسایه ها کوچک آن احساس خطر نمیکند؟ این نوع سؤاها در حقیقت بیانگر ناراحتی شوروی در قبال تحولات سیاست خارجی افغانستان بود که در روز دوم مذاکرات شکل جدی و غیرقابل پیشبینی را بخود گرفت.

د پانو شمیره: له 6 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکي د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

صمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه که شامل هیئت معینی محمد داؤد خان در این سفر بود، جریان مذاکرات را به تفصیل در کتاب سقوط افغانستان بیان کرده که قسمت حساس و مهم آن در اینجا تقدیم میگردد: «روز دیگر نوبت سخنرانی کشور میزبان بود. صبحت را رئیس هیئت شوروی برژنف آغاز کرد.... از کنفرانس هلسنکی بخاطر امنیت و همکاری متقابل اروپا اظهار خوشنودی کرد از ایالات متحده بخاطر ساختن پیمانهای نظامی و از چین بخاطر شونیزم آن یاد کرد و آرزومندی کشورش را بخاطر سعادت افغانستان ابراز نمود و اظهار کرد که نهضت عدم انسلاک نباید شکار دسایس امپریالیزم گردد.» صمد غوث مینویسد که برژنف خطاب به محمد داؤد خان مطالبی گفت که ترجمان را ناراحت ساخت و بعد از یک مکث کوتاه ترجمان گفته او را چنین ترجمه کرد: «برژنف شکایت کرد که در افغانستان در اثر فعالیت های دوجانبه در پروژه های ملل متحد و دیگر پروژه های چند جانبه، شمار متخصصین کشورهای عضو ناتو بسیار زیاد شده است. در گذشته حکومت افغانستان از متخصصین کشورهای ناتو حداقل در مناطق شمالی آن کشور دعوت نمیکرد، اما اکنون با آن دساتیر عمل نمیشود. او گفت که «اتحاد شوروی به این انکشافات با نظر بد می نگرد و از حکومت افغانستان تقاضا میکند تا خود را از تسلط آنها رهائی بخشد، آنها چیزی دیگر جز جواسیس نیستند و روی مقاصد امپریالیستی کار میکنند.»

عبدالصمد غوث درباره عکس العمل محمد داؤد خان در برابر این اظهارات برژنف که شکل تحکم واضح را داشت، چنین می نویسد: «فضای سالون تیره شد، برخی از روسها ناراحت معلوم شدند و افغانها بسیار آزرده بودند؛ من بطرف سردار محمد داؤد نگرستم، رنگش دود کرده بود. برژنف سخنان خود را قطع کرد، مثل اینکه منتظر جواب رئیس جمهور است.»

صمد غوث می نویسد: «داؤد خان به آواز بلند و احساسات جواب داد: آنچه شما گفتید، افغانها آنرا توقع نداشتند و مداخله در امور افغانستان میدانند، چنانکه قبلاً گفته شد افغانستان روابط خود را با شوروی با ارزش میدانند. ما هیچ وقت بشما اجازه نخواهیم داد که به ما حکم کنید که چگونه کشور خود را اداره کنیم، چه کسی را در افغانستان استخدام نمائیم، چگونه و در کجا متخصصین را توظیف کنیم. این صرف مربوط به اداره دولت افغانستان است، اگر ضرورت باشد افغانستان غریب باقی خواهد ماند اما در فیصله های خود آزاد خواهد بود.»

صمد غوث در ادامه علاوه میکند که: «پس از این سخنان محمد داؤد خان ناگهان از جا برخاست، تمام افغانها نیز برخاستند با اشاره سر در حقیقت خداحافظی کرد و بطرف دروازه بزرگ روان شد. برژنف به زحمت زیاد از چوکی برخاست به همراهی پودگورنی، کاسیگین و دیگران به سرعت بدنبال داؤد خان حرکت کردند. داؤد خان به عقب برگشت دست لوزان برژنف را گرفت، او با تبسم گفت که جلالتماب شما میخواهید یک ملاقات خصوصی با من داشته باشید، من در اختیار شما هستم. سردار محمد داؤد به آواز بلند گفت: من میخواهم به جلالتماب شما بگویم که دیگر ضرورتی به آن ملاقات وجود ندارد. او با این جمله خداحافظی کرد.» (غوث، عبدالصمد: "سقوط افغانستان" (به انگلیسی)، مترجم: محمد یونس طغیان ساکائی، چاپ دوم، پشاور، 1378، صفحه 238 و 239)

قابل ذکر است که در ارتباط با جریان مذاکرات رسمی دو زعیم عبدالجلیل جمیلی - سابق دیپلمات افغان و عضو آن هیئت در یک مقاله مبسوط خود به محتوای قسمتی از بیاناتی که بین شهید داؤد خان و برژنف طی مجلس رسمی تبادل گردید، تماس گرفته و آنرا با عبارات متفاوت با آنچه عبدالصمد غوث قبلاً نوشته بود، بیان کرده است. برژنف خطاب به محمد داؤد خان گفته بود (متن گفتار برژنف به استناد نوشته جمیلی): «شما بخوبی میدانید که کشور ما همیشه نزدیکترین دوست افغانستان بوده و هر وقت و مرحله دست دوستی را بطرف افغانستان پیش کرده و از هیچ نوع کمکی دریغ نکرده است. حال هم ما به خوشی حاضریم که برای اجرای پلان جدید اقتصادی افغانستان کمک کنیم، ولی طوریکه اطلاع دارید دشمنان ما میخواهند که در این دوستی ما رخنه و آنرا خراب سازند، بدین لحاظ عمال خود را زیر عنوان پیسگور و رضا کار و غیره به افغانستان اعزام می دارند که آنها زیر عنوان کمک و همکاری، اساساً در تخریب روابط ذات البینی ما میکوشند. باید حکومت افغانستان تمام این اشخاص را از افغانستان خارج کند.»

د پانو شمیره: له 7 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکي د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

در متن جمیلی جواب داؤد خان به این عبارت ذکر شده است: «ما همیشه از کمک های کشورهای دوست منجمله اتحاد شوروی صمیمانه تشکر میکنیم، بناً همیشه خواهشمندیم تا کشورهای دوست با ما کمک های اقتصادی و با اعزام متخصصین خود به افغانستان با ما کمک کنند، ولی اگر این کمک ها و اعزام متخصصین به منزله مداخله در امور داخلی ما به حساب برود، ما از بازوی این ها گرفته و تمام شان را از افغانستان بیرون می اندازیم.» داؤد خان بعد از تکرار این جمله به سخنان خود ادامه داد و گفت: «البته افغانستان یک کشور غریب است، ولی یک کشور مستقل و آزاد است و به هیچ کشور اجازه نمیدهد که بنام کمک در امور داخلی اش مداخله کند. تعیین سرنوشت افغانستان تنها بدست ملت افغان بوده و تنها مردم افغانستان حق دارند که در آن باره تصمیم بگیرند.» (دیده شود: مقاله عبدالجلیل جمیلی درباره «جریان واقعی سرفتراری 1977 مرحوم محمد داؤد خان به مسکو»، منتشره پورتال «افغان جرمن آنلاین»، 2007)



یک عکس تاریخی از آخرین دیدار محمد داؤد خان با برژنف در مسکو از تاریخ 12 تا 15 اپریل 1977
 اعضای هیئت افغانی: بالتریب از بالای میز به پایان: عبدالاحد ناصر ضیا(؟)، داکتر فرید رشید، داکتر محبوبه سراج رفیق، داکتر
 علی احمد پوپل، محمد خان جلالر، محمد داؤد خان، علی احمد خرم، انجنیر جمعه محمد محمدی، وحید عبدالله و در اخیر عبدالجمیل
 جمیلی (در عکس بطور مکمل دیده نمیشود)

د پانو شمیره: له 8 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاوالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لوی

هرگاه در جوابیه داؤد خان از تفاوت «کلمات و جملات» در دو متن فوق بگذریم، محتوای جواب از نظر «روحیه» در هر دو متن باهم بسیار نزدیک و شبیه می باشد، در هر دو از کمک های کشورهای دوست ابراز امتنان شده و اما در مورد «مداخله در امور افغانستان» و اینکه «تصمیم به مردم افغانستان» مربوط است، شباهت تام وجود دارد که واقعیت موضوع را مبنی بر نگرانی های هر دو طرف از جریانات سیاسی منطقه و افغانستان انعکاس می دهد و نشانه از ایجاد فضای بی اعتمادی بین زعمای هر دو کشور حساب میشود.

درباره جریان ختم مجلس به تعقیب جوابیه داؤد خان فضا قدری تغییر کرد ولی کاسیگین با طرح یک سؤال خواست جویای نظر داؤد خان شود و صحنه را تغییر دهد. داؤد خان نیز به آرامی و متانت به شکل دوستانه به جواب پرداخت و بعد از آن مجلس طور معمول به پایان رسید. اما هنگام وداع برژنف روی به داؤد خان کرد و گفت که شما تقاضای صحبت خصوصی با من داشتید، من حاضرم. داؤد خان به آرامش جواب داد که اکنون ضرورتی به آن نیست.

از جمله هیئت افغانی در این دیدار فقط چهار نفر در قید حیات میباشند و یکی از آنها محمد خان جلالر وزیر تجارت آنوقت است که اخیراً کتاب خاطرات خود را تحت عنوان "بادنجان رومی" (Rumi Tomato) به انگلیسی چاپ کرده و در ارتباط با این رویداد خیلی محتاطانه می نویسد: « ریاست هیئت شوروی را برژنف داشت. او رئیس جمهور ما را با صدای لرزان مخاطب قرار داد و گفت: "رفیق داؤد! ما اطلاع داریم که استادان و پروفیسوران امریکائی در پوهنتون کابل بر علیه کشور ما فعالیت دارند، آیا شما میدانید؟"، این چیزی بود که برژنف گفت. بعداً رئیس جمهور ما فوراً در جواب او گفت: "ما در کشور خود نه تنها متخصصین امریکائی داریم، بلکه ما همچنان متخصصین و مشاورین از کشور های دیگر نیز داریم. لاکن آنها نمیتوانند کاری بیشتر از وظایف خود انجام دهند و ما به آنها اجازه نمیدهیم." در این موقع گرومیکو داخل صحبت شد و موضوع را تغییر داد و با این ترتیب تبادل گفتار بین برژنف و رئیس جمهور به پایان رسید.» جلالر می افزاید که از آن به بعد برژنف هیچ سخن نگفت و با سگرتهی که در دست داشت، خود را مصروف ساخته بود و یگانه سخنی که به محمد داؤد خان در اثنای مذاکره گفت، این بود که: «من سگرت را ترک کرده ام.»

جلالر راجع به پایان مجلس می نویسد: وقتی مجلس خاتمه یافت، همه از جاها بلند شدند و رئیس جمهور فوراً از جا برخاست و میخواست مجلس را ترک کند و پنج شش قدمی نرفته بود که برژنف دفتاً گفت: "رفیق داؤد!" و بطرف او رفت و رئیس جمهور به عقب گشت و هر دو باهم دست دادند و مجلس پایان یافت و همه اتاق را ترک کردند. جلالر می افزاید: «بهر صورت فضای مجلس مثل مجالس قبلی چندان گرم نبود و حتی سرد بود. در ختم مجالس قبلی معمولاً برژنف و رئیس جمهور بیک ملاقات شخصی میرفتند، در این موقع هیچ ملاقات خصوصی صورت نگرفت.» (جلالر، محمد خان: خاطرات یک وزیر- "بادنجان رومی"(به انگلیسی)، کالیفورنیا، 2015، صفحه 188 و 189)

اینکه بعضی ها این برخورد و شدت کلام شهید داؤد خان را در جواب برژنف «یک انتحار سیاسی» و یا «به اندازه پرتاب دو بمب چند هزار کیلوئی بر کاخ کرملین از سوی رئیس جمهور افغانستان» تلقی و یا تعبیر میکنند و آنرا انگیزه سقوط جمهوری یک سال بعد از این ملاقات می پندارند، به نظر من بسیار موجه نخواهد بود، به این دلیل که روابط افغانستان و شوروی از مدت پیش از یکسال از این سفر دچار سردی محسوس گردیده بود و یکی از اهداف این سفر نیز روشن ساختن اوضاع و اطمینان از موقف طرفین بود که داؤد خان میخواست جانب شوروی را مطمئن سازد که تشنید روابط افغانستان با غرب، با کشورهای اسلامی و ایجاد فضای حسن تفاهم و همکاری با پاکستان و بخصوص ایران از دوستی عنعنوی با اتحاد شوروی نمی کاهد، و اما زعمای شوروی برعکس اعتماد خود را به داؤد خان تاحد زیاد از دست داده بودند و تغییر سیاست داخلی و خارجی او را یک تخطی از آنچه به «دکتورین بریژنف» شهرت داشت، می پنداشتند و همانطوریکه در اواخر سلطنت تحولات وارده از طرف موسی شفیق را تحمل کرده نتوانستند، به تحولات داؤد خان به عین شکل نگاه میکردند. آنها ناراحت بودند که مبدا سرمایه گذاری سیاسی دراز مدت شوروی

در افغانستان دفعتاً بهدر رود و افغانستان از نفوذ شوروی بیرون شود. (برای شرح مزید دیده شود مقاله: "آیا پاسخ داؤد خان به برژنف یک انتحار سیاسی بود؟"، از این قلم، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ اول می 2015)

(در پایان این قسمت میخواهم در مورد کتاب مرحوم عبدالصمد غوث تحت عنوان "سقوط افغانستان" که شخصاً با متن انگلیسی و دری آن آشنا هستم، اعتراف کنم که این کتاب یکی از بهترین مآخذ مستند و دقیق است که راجع به روابط سیاسی افغانستان بخصوص طی پنجاه سال اخیر قرن بیستم به رشته تحریر در آمده است و مطالعه آنرا به دوستان علاقمند در موضوع اکیداً توصیه میکنم.)

(ادامه در قسمت پنجم و آخر)

د پانو شمیره: له 10 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ